

# شاخصه‌های سیاسی - اجتماعی در توسعه نیروی انسانی مورد توجه قرار گرفته است

اشاره:

نیروی انسانی، شاخص‌ترین عامل در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری محسوب می‌شود. بشر در طول چندصد میلیون سالی که بر روی کره زمین زندگی می‌کند، توانسته است با کار و اندیشه خود، دنیای خود را بسازد و ابزار و امکانات رفاه اجتماعی و اقتصادی را برای خود فراهم آورد. خلاقیت و نبوغ انسان در کنار ایجاد فضای مساعد برای پرورش استعدادها سبب شده است که چهره زندگی به ویژه در سه قرن اخیر بر روی زمین تغییر کند و هر روز تحولات شگرفی را در عرصه دانش و فناوری شاهد هستیم.

اهمیت موضوع توسعه نیروی انسانی به عنوان اصلی‌ترین شاخصه توسعه و تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سبب شده که نه تنها در سطوح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی، دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به بررسی آن از جنبه‌های گوناگون بپردازند و با تجزیه و تحلیل شرایط موجود و تفاوت آن با شرایط آرمانی، پیوسته درصدد جست‌وجوی راه‌های مختلف برای پیشبرد اهداف (توسعه نیروی انسانی) برآیند.

کارشناسان از جنبه‌های گوناگون مسایل مربوط به توسعه نیروی انسانی را دنبال می‌کنند. اما در عرصه بین‌المللی نیز سازمان ملل متحد همواره بحث توسعه انسانی را دنبال کرده تا بتواند جامعه جهانی را به نواقص موجود و یافتن راهکارهای مناسب دعوت نماید.

«گزارش ترازنامه توسعه انسانی ۲۰۰۲» که از سوی برنامه توسعه سازمان ملل تهیه و ارائه شده است، شاخصه‌های گوناگونی را در این زمینه مطرح می‌سازد. نظر به اهمیت این گزارش، خوانندگان محترم نشریه «بررسی‌های بازرگانی» را به خواندن فrazهایی از آن که در مقاله حاضر آمده است، دعوت می‌کنیم.

<p>گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۲ که به تازگی از سوی برنامه توسعه سازمان ملل انتشار یافته و دربرگیرنده نکات درخور توجهی است، در دو بخش «پیشرفت جهانی» و «تفرق جهانی» تهیه شده و در زمینه‌های «مردم‌سالاری و مشارکت»، «عدالت اقتصادی»، «بهداشت و آموزش و</p>	<p>پرورش» و «صلح و امنیت شخصی» می‌باشد.</p> <p>با وجود آن که آمار و اطلاعات ارائه شده در این گزارش دربرگیرنده تمامی کشورهای جهان نیست، با این حال اطلاعات ارائه شده تا حدود زیادی قابل اعتماد می‌باشد.</p>	<p>در بخش اول گزارش که پیشرفت جهانی مدنظر قرار گرفته، در خصوص «مردم‌سالاری و مشارکت» گفته شده، از سال ۱۹۸۰ تاکنون، ۸۱ کشور جهان گام‌های مهمی در جهت «مردم‌سالاری» برداشته‌اند و از بین آنها ۳۳ کشور دولت‌های غیرنظامی را جایگزین رژیم‌های نظامی کرده‌اند.</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

اکتون از میان نزدیک به ۲۰۰ کشور جهان، ۱۴۰ کشور انتخابات چندحزبی برگزار می‌کنند که از هر زمان دیگری بیشتر است.

در همین حال شمار سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سال ۲۰۰۰ به ۳۷ هزار سازمان یعنی ۲۰ درصد بیش از رقم مربوط به سال ۱۹۹۰ رسید. بیش از ۲۱۵۰ سازمان غیردولتی با اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل ارتباط برقرار کرده‌اند.

همچنین ۱۲۵ کشور با ۶۲ درصد جمعیت جهان، دارای مطبوعات آزاد یا نیمه‌آزاد هستند. در فاصله سال‌های ۱۹۷۰-۹۶ شمار روزنامه‌ها در کشورهای در حال توسعه از ۲۹ نسخه برای هر ۱۰۰۰ نفر به ۶۰ نسخه رسید و تعداد تلویزیون (به عنوان رسانه همگانی) ۱۶ برابر افزایش یافت.

در همین حال شمار کشورهایی که شش کنوانسیون و میثاق عمده در خصوص حقوق بشر را تصویب کرده‌اند، از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۲ به میزان درخور توجهی افزایش داشت. شمار تصویب‌کنندگان میثاق بین‌المللی در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی از حدود ۹۰ کشور به حدود ۱۵۰ کشور افزایش یافت. در ۱۰ کشور جهان بیش از ۳۰ درصد نمایندگان مجالس قانون‌گذاری را زنان تشکیل می‌دهند.

همچنین در سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ شورای امنیت سازمان ملل فقط شاهد

۱۰ رأی «وتو» بود، در حالی که شمار آرای «وتو» در سال‌های ۹۵-۱۹۴۶ به ۲۴۳ مورد یا به طور متوسط ۵۰ رأی «وتو» در هر دهه بود.

موضوع «مردم‌سالاری و مشارکت» در بخش تفرق جهانی این گزارش نیز به نکات منفی در خور توجه حول این موضوع اشاره می‌کند. در این بخش آمده است: از ۸۱ دموکراسی جدید فقط ۴۷ کشور به طور کامل نظام مردم‌سالاری دارند. در کشورهای دیگر قرائنی از انتقال به مردم‌سالاری مشاهده نمی‌شود و حتی کشورهایی به اقتدارگرایی یا منازعات داخلی برگشته‌اند. فقط ۸۲ کشور با ۵۷ درصد مردم جهان به دموکراسی کامل دست یافته‌اند.

در همین حال ۵۱ کشور جهان هنوز کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار درباره آزادی شکل را تصویب نکرده‌اند و ۳۹ کشور نیز تاکنون از تصویب این کنوانسیون پیرامون حق چانه‌زنی جمعی، سرباز زده‌اند.

هنوز هیچ سازمان بین‌المللی به جایگاه مشورتی با شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل دست نیافته است. از میان ۵۵۰ سازمان غیردولتی مرتبط با اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل فقط ۲۵۱ سازمان در کشورهای در حال توسعه مستقر هستند.

این گزارش می‌افزاید: ۶۱ کشور با ۳۸ درصد جمعیت جهان هنوز از داشتن مطبوعات آزاد محروم هستند.

در سال ۲۰۰۱ سی و هفت روزنامه‌نگار در حال انجام وظیفه به قتل رسیدند، ۱۱۸ روزنامه‌نگار زندانی شدند و بیش از ۶۰۰ روزنامه‌نگار یا سازمان خبری مورد حمله یا تهدید قرار گرفتند.

در همین حال ۳۸ کشور جهان میثاق بین‌المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی را امضا یا تصویب نکردند و ۴۱ کشور از اعضای میثاق بین‌المللی در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طفره رفتند.

در سطح جهان، فقط ۱۴ درصد نمایندگان مجالس قانون‌گذاری «زن» هستند و در ۱۰ کشور هیچ زنی در قوه مقننه حضور ندارند.

این گزارش تصریح می‌کند: سازمان جهانی تجارت (WTO) بر مبنای یک رأی برای هر عضو اداره می‌شود، اما اغلب تصمیم‌های کلیدی را کشورهای نیرومند در جلسات «اتاق سبز» اتخاذ می‌کنند. همچنین مدیران اجرایی که نماینده کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ژاپن، عربستان سعودی و روسیه در بانک جهانی هستند، ۴۶ درصد حق رأی در صندوق بین‌المللی پول را نیز در اختیار دارند.

با توجه به آن که شاخص «مردم‌سالاری و مشارکت» به لحاظ ایجاد فضای مساعد برای توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حایز اهمیت است، تحولات آن در دو دهه گذشته به ویژه در زمینه ایجاد نظام‌های مردم‌سالار، توسعه سازمان‌های غیردولتی برای

کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به مردم و بخش غیردولتی، ایجاد فضای آزاد مطبوعاتی و نیز پذیرش میثاق‌های بین‌المللی برای رعایت حقوق بشر، پیشرفت درخور توجهی را نشان نمی‌دهد، به خصوص آن که فقط در یک پنجم کشورهای جهان نظام مردم‌سالاری استقرار یافته و کمتر از ۴۰ درصد جمعیت جهان از مطبوعات آزاد برخوردارند و نیز یک‌چهارم کشورهای جهان کنوانسیون‌های بین‌المللی کار را امضا نکرده‌اند، گرچه شمار امضاکنندگان میثاق بین‌المللی پیرامون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حقوق مدنی و سیاسی افزایش یافته است.

نقش زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، در قوه مقننه کشورها بسیار ضعیف است. در گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۲ در بخش پیشرفت جهانی در خصوص محور «عدالت اقتصادی» اطلاعات درخور توجهی به چشم می‌خورد.

نسبت جمعیت دچار فقر شدید در جهان از ۲۹ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۹ کاهش یافته است. در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی فقر شدید در کشورهای شرق آسیا و منطقه اقیانوس آرام به نصف کاهش یافت و در جنوب آسیا ۷ درصد تقلیل پیدا کرد.

در این دهه متوسط رشد سالانه درآمد سرانه در شرق آسیا ۵/۷ درصد و در جنوب آسیا ۳/۳ درصد بود. در همین حال اشاره شده است

که شمار استفاده‌کنندگان از شبکه جهانی اینترنت از ۵۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ به یک میلیارد نفر در سال ۲۰۰۵ افزایش خواهد یافت.

در بخش «تفوق جهانی» در خصوص این مقوله آمده است، در دهه ۱۹۹۰ شمار مردم دچار فقر شدید در منطقه جنوب صحرای آفریقا از ۲۴۲ میلیون نفر به ۳۰۰ میلیون نفر افزایش یافت.

در همین حال متوسط درآمد سرانه در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق سالانه ۲/۴ درصد تقلیل یافت. این کاهش برای منطقه جنوب صحرای آفریقا سالانه ۳ درصد بود.

در گزارش تصریح شده که ۲۰ کشور منطقه جنوب صحرای آفریقا در سال ۲۰۰۲ با بیش از نصف جمعیت منطقه فقیرتر از سال ۱۹۹۰ هستند و ۲۳ کشور منطقه نیز نسبت به سال ۱۹۷۵ با فقر گسترده‌تری روبه‌رو شده‌اند.

در همین حال ۷۲ درصد شمار استفاده‌کنندگان از شبکه جهانی اینترنت در کشورهای پردرآمد عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) زندگی می‌کنند و ۱۶۴ میلیون نفر از این استفاده‌کنندگان در ایالات متحده آمریکا ساکن هستند.

آنچه از این گزارش برمی‌آید، نشانگر کاهش نسبت جمعیت مواجه با فقر شدید در کشورهای جنوب و شرق آسیا و حوزه اقیانوس آرام و

افزایش آن (به نسبت کل جمعیت) در کشورهای بلوک شرق سابق و جنوب صحرای آفریقا می‌باشد. فقر شدید و گسترش فقر در کشورهای منطقه جنوب صحرای آفریقا از نکات درخور توجهی است که جامعه جهانی را هشدار می‌دهد. این فقر شدید می‌تواند در رشد انواع بیماری‌های واگیر و انتقال و سرایت آن به دیگر کشورها مؤثر باشد و از این رو جامعه جهانی را با تهدید مواجه می‌سازد.

استفاده از اینترنت به عنوان یک عامل در شاخصه عدالت اقتصادی مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته، چرا که دسترسی به اینترنت از یک سو نشان‌دهنده پیشرفت در جامعه (از بعد زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی) و از سوی دیگر دستیابی به فرصت‌های اقتصادی است. اما مشاهده می‌شود که بیش از دو سوم استفاده‌کنندگان از اینترنت در کشورهای پردرآمد ساکن هستند و دسترسی به اینترنت در کشورهای در حال توسعه و بهره‌جویی از فرصت‌ها به نسبت جمعیت بیشتر کشورهای یادشده در قیاس با کشورهای پردرآمد، کمتر است.

محور سوم گزارش، «بهداشت و آموزش و پرورش» است. در بخش پیشرفت جهانی در این زمینه آمده است: از سال ۱۹۸۰ تاکنون ۸۰۰ میلیون نفر دسترسی بهتری به آب سالم پیدا کرده‌اند و ۷۵۰ میلیون نفر از سطح بهداشت محیط بالاتری برخوردار شده‌اند.

همچنین ۵۷ کشور با نصف جمعیت جهان توانسته‌اند گرسنگی را به نصف تقلیل دهند یا در مسیر درستی برای رسیدن به این هدف تا سال ۲۰۱۵ قرار گرفته‌اند.

در بعضی کشورهای درحال توسعه در مبارزه با آلودگی به ویروس ایدز پیشرفت‌هایی حاصل شده و برای مثال در اوگاندا میزان فراوانی این بیماری از ۱۴ درصد در اوایل دهه ۱۹۹۰ به حدود ۸ درصد تا پایان این دهه کاهش یافت.

نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال نیز در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۷۰ از ۹۶ به ۵۶ در هر ۱۰۰۰ ولادت زنده کاهش پیدا کرد. همچنین ثبت دوره ابتدایی در سراسر جهان از ۸۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۸۴ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش پیدا کرد. در همین حال ۵۱ کشور با ۴۱ درصد جمعیت جهان به آموزش ابتدایی همگانی دست یافتند و یا در شرف دستیابی به آن هستند.

در ۹۰ کشور با بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان برابری جنسیتی در آموزش ابتدایی تحصیل شده و بیش از ۸۰ کشور این برابری را در سطح آموزش متوسطه نیز پیاده کرده‌اند.

در بخش «تفرق جهانی» در محور بهداشت و آموزش و پرورش به نکات منفی اشاره شده است، از جمله آن که نرخ مصون‌سازی کودکان در منطقه جنوب صحرائی آفریقا به زیر ۵۰ درصد تنزل یافته است.

در همین حال اشاره شده که با نرخ پیشرفت کنونی، رهایی جهان از گرسنگی ۱۳۰ سال به طول می‌انجامد. در خصوص بیماری ایدز اشاره شده که تقریباً ۲۲ میلیون نفر تا پایان سال ۲۰۰۰ بر اثر ابتلا به این بیماری مهلک، جان خود را از دست داده‌اند. حدود ۱۳ میلیون کودک، مادر یا والدین خود را از دست دادند و بیش از ۴۰ میلیون نفر با ویروس ایدز زندگی می‌کردند که ۹۰ درصد آنها در منطقه جنوب صحرائی آفریقا ساکن بودند.

در سراسر جهان هر روز بیش از ۳۰ هزار کودک بر اثر ابتلا به بیماری‌های قابل پیشگیری از بین می‌روند. همچنین ۱۰۰ میلیون زن بر اثر طفل‌کشی، غفلت و سقط جنین اختیاری جان خود را از دست دادند. هر سال ۵۰۰ هزار زن بر اثر عوارض ناشی از بارداری و زایمان از بین می‌روند.

در سال ۲۰۰۲ میلادی هنوز ۱۳۳ میلیون کودک لازم‌التعلیم بیرون از مدرسه بودند که ۹۷ درصدشان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. همچنین ۶۰ درصد این کودکان دختر هستند. حتی در ۹۳ کشور با ۳۹ درصد جمعیت جهان اطلاعات لازم در خصوص ثبت نام دوره ابتدایی وجود ندارد. در همین حال از ۸۵۴ میلیون بزرگسال بی‌سواد در جهان، ۵۴۴ میلیون نفر «زن» هستند.

بررسی اطلاعات انتشار یافته در محور «بهداشت و آموزش و پرورش»

نشان می‌دهد که موقعیت زنان و کودکان به ویژه در کشورهای در حال توسعه از این حیث نگران‌کننده است.

بیش از دو سوم بی‌سوادان بزرگسال را زنان تشکیل می‌دهند و تقریباً تمامی کودکان لازم‌التعلیم بیرون از مدرسه در کشورهای در حال توسعه ساکن هستند و بیش از نیمی از آنها را دختران تشکیل می‌دهند. دسترسی زنان به آموزش بسیار کمتر از مردان است و این مشکل در کشورهای در حال توسعه به صورت حادی خود را نشان می‌دهد.

در زمینه بهداشت نیز وضع زنان و کودکان به ویژه در کشورهای در حال رشد خطرناک است و در منطقه جنوب صحرائی آفریقا این وضع وخیم‌تر می‌باشد. اگرچه در مبارزه با بیماری ایدز در دهه گذشته پیشرفت‌هایی حاصل شده است، در بخش پیشرفت جهانی در زمینه صلح و امنیت شخصی آمده است. عملیات صلح‌بانی از ۱۶ مورد در سال‌های ۸۹-۱۹۶۴ به ۳۸ مورد در سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۰ افزایش یافته است.

تصویب تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی توسط ۶۰ کشور در سال ۲۰۰۲ به ایجاد ساختار دائمی برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت کمک کرده است. در همین حال در دهه ۱۹۹۰ شاهد کاهش قابل توجهی در زمینه تلفات ناشی از درگیری بین دولت‌ها تا ۲۲۰ هزار نفر بوده‌ایم که

تقریباً سه برابر میزان کاهش آن در دهه ۱۹۸۰ بود.

در همین حال ۱۲۳ کشور پیمان منع استفاده از مین مصوب سال ۱۹۷۰ را امضا کردند که انعکاسی از تأثیر فشارهای وارده از سوی ۱۴۰۰ گروه جامعه مدنی در ۹۰ کشور جهان بود.

اما در بخش تفرق جهانی، به نکات منفی در این زمینه برمی‌خوریم. در این بخش آمده است: بر اثر وقوع مواردی از نسل‌کشی در اروپا و آفریقا ۲۰۰ هزار نفر در فاصله سال‌های ۹۵-۱۹۹۲ در یوسنی و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۴ در رواندا جان خود را از دست دادند.

با ظهور شکل‌های جدید از تروریسم بین‌المللی ۳۰۰۰ نفر از بیش از ۸۰ کشور جهان، در جریان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به شهرهای آمریکا کشته شدند.

حدود ۳/۶ میلیون نفر در دهه ۱۹۹۰ بر اثر منازعات درون‌مرزی از بین رفتند و شمار پناهندگان و آوارگان در دهه ۱۹۹۰ حدود ۵۰ درصد افزایش یافت. نصف تلفات غیرنظامی را کودکان تشکیل می‌دهند و شمار سربازان کودک در سراسر جهان ۳۰۰ هزار نفر برآورد شده است.

کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه هنوز پیمان منع استفاده از مین را امضا نکرده‌اند. مردم ۹۰ کشور جهان در سال ۲۰۰۲ هنوز به شدت در معرض

آسیب‌های ناشی از مین‌های زمینی و سایر مهمات منفجر نشده قرار داشتند و هر سال ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر بر اثر انفجار مین کشته می‌شوند.

محورهای مورد توجه در گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۲ برنامه توسعه سازمان ملل در قیاس با گزارش‌های پیشین تفاوت چشمگیری دارد و از جنبه‌های مختلف پیشرفت‌ها و تهدیدها در سطح بین‌المللی را نشان می‌دهد. در گذشته بیشتر موضوع بهداشت و آموزش و پرورش مورد توجه بود، اما اینک مشاهده می‌شود که شاخصه‌های سیاسی، اجتماعی از جمله «مردم‌سالاری و مشارکت» و نیز «صلح و امنیت شخصی» نیز به عنوان عوامل مؤثر در توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته است.

آنچه مسلم است، جامعه جهانی برای دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند ایجاد فضای مناسبی برای پرورش نیروی انسانی سالم و متفکر است و بهداشت جسمی و روانی انسان‌ها به همیاری، همکاری و سرمایه‌گذاری‌های جدید نیاز دارد. هر اندازه که همکاری بین‌المللی در این زمینه تقویت گردد، نه تنها امنیت شخصی در کشورهای پیشرفته بیشتر خواهد شد، بلکه کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند به نیروی انسانی مؤثر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یابند.

پیشبرد دموکراسی و مردم‌سالاری، دسترسی همگانی به

تعلیم و تربیت و بهداشت، توسعه عدالت اقتصادی و امنیت شخصی در سطح بین‌المللی حایز اهمیت است و این مهم جز با تلاش همگانی میسر نخواهد شد.

موضوع مهم در این گزارش، نقش زنان و کودکان است که نه تنها در مشارکت و مردم‌سالاری در سطح بین‌المللی کمتر مورد توجه قرار گرفته، بلکه ستمی که به آنها می‌شود و تهدیدهایی که سلامت و جان آنها را تهدید می‌کند، به مراتب بیش از مردان است.

جامعه بین‌المللی می‌بایست نسبت به بهداشت، آموزش و پرورش، مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان توجه ویژه‌ای عنایت کند. در همین حال کودکان که نسل آینده را تشکیل می‌دهند، می‌بایست از فضای مساعد و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای بهداشت و آموزش و پرورش برخوردار گردند.

نکته مهم دیگر، نقش کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی و دستیابی به فرصت‌های اقتصادی است که تاکنون در جهان کمتر بدان توجه شده، در حالی که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد.

